

فرصت‌ها و چالش‌های حکمرانی هوش مصنوعی در امتداد حیات اجتماعی فقه اسلامی در ایران افق ۱۴۱۴

محمودرضا محمددوست^۱، حسن حاجی‌زاده اناری^۲ و محمد اصغریان دستنایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

چکیده

سرعت بالای تحولات پیچیده و جذاب «هوش مصنوعی»، از دنیایی جدید برای تسخیر ذهنیت بشر پرده بر می‌دارد؛ دنیایی که بر جوانب مختلف زیست فردی و اجتماعی تأثیر ویژه خواهد داشت. از جمله این پدیده‌ها، گریزناپذیر، می‌تواند بر موضوعات دینی (اعم از نهادها، مسئله‌ها، راهکارها و...)، مخصوصاً علم دست‌یابی به احکام شریعت یعنی «فقه» تأثیرگذار باشد به گونه‌ای که واکنش‌های عمومی فقهاء، درباره آن به نحوی قابل درک ترکیبی از اضطراب و امیدواری بوده است؛ لذا بی‌تفاوتی در پاسخگویی و تحلیل درست موضوعات جدید فقهی، تهدیدهایی را ایجاد خواهد نمود و فقه را دچار نوعی انزوا خواهد کرد، همچنین آمادگی برای مدیریت آینده این هوش انسان‌نما، فرصت نقش‌آفرینی برای مسئولیت تاریخی فقه در پیچ تمدنی خواهد داشت. به این سبب، مساله اصلی این تحقیق بررسی فرصت‌ها و چالش‌های راهبری هوش مصنوعی در فقه است. از اینرو این نوشتار با هدف فهم صحیح متخصصین متعهد، از الزامات تمدنی هوش مصنوعی، نگارش شده تا با آینده پژوهی دقیق، امنیت اعتقادی و رفتاری، پویایی فقه اسلامی، در امان نگه داشته شود. نتیجه آنکه، «هوش مصنوعی» همانطور که می‌تواند در تسریع و تدقیق فرآیند اجتهاد و ارتقاء آن مؤثر باشد، همچنین می‌تواند با ظاهرگرایی و حکم‌سازی، دست‌یابی به احکام دینی را دچار چالش نماید تا جایی که می‌توان گفت عدم جواز به‌کارگیری هوش مصنوعی به‌عنوان فتوادهنده، از اتقان بیشتری برخوردار است.

کلید واژه‌ها: هوش مصنوعی، فقه، حکمرانی، مرجعیت، فتوا، فرصت‌ها و چالش‌ها.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

محمددوست، محمودرضا؛ حاجی‌زاده اناری، حسن؛ اصغریان دستنایی، محمد (تابستان ۱۴۰۳). «فرصت‌ها و چالش‌های حکمرانی هوش مصنوعی در امتداد حیات اجتماعی فقه اسلامی در ایران افق ۱۴۱۴». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هفتم، شماره ۲، پیاپی ۲۶، صص ۸۵-۱۰۶.

^۱. استادیار گروه معارف اسلامی، پردیس شهید چمران دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ایمیل: mohammaddostmr@gmail.com

^۲. استادیار گروه معارف اسلامی، پردیس شهید چمران دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ایمیل: hajizadeanari@gmail.com

^۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. ایمیل: alrahil88@gmail.com

این مقاله برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را بازنویسی کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

سیطره گسترده و غیرقابل انکار رسانه به گونه‌ای تمام زوایای فضای واقعی زندگی بشر را در کنترل خود قرار داده است، که چشم انداز انسان امروز با رسانه تغییر و بلکه معنا پیدا می‌کند. از این رو فضای رسانه؛ محیط زندگی انسان، بلکه میدان ذهنیت سازی و قدرت نمایی آرزوهای او می‌باشد. رسانه انسان هوشمندی است که انسان آن را خلق کرده و تازه نفس‌ترین بازیگر این جهان گردیده است. «هوش مصنوعی» یا ^۱AI از فناوری‌های نوظهوری است که روز به روز با هدایت بزرگترین شبیه‌سازی تاریخ بشر، در حال تعیین نسبت‌ها می‌باشد و پیش‌بینی می‌شود در آینده نه چندان دور، با فرهنگ‌سازی و رفتارسازی، تغییرات شگرفی در شیوه‌های حکمرانی و راهبری در همه ابعاد زندگی بشر ایجاد نماید.

هوش مصنوعی از همان سال ۱۹۵۶ میلادی که به‌عنوان شاخه جدیدی از دانش مطرح شد؛ در کامپیوترهای قدرتمند تعریف شد و به مرور زمان توانست عملکردهای مناسب انسانی را بهینه سازی کرده و ارتقاء دهد، همچنین توانست سلسله اعصاب انسان را شبیه‌سازی کند و با افزایش توان قدرت سخت افزاری و نرم افزاری کامپیوترها، کارهای مربوط به شبکه عصبی عمیق را پیش‌بینی نماید.

شاخه‌های مختلف هوش مصنوعی مثل سیستم خبره،^۲ رباتیک،^۳ یادگیری ماشین،^۴ شبکه عصبی،^۵ منطق فازی،^۶ پردازش زبان طبیعی؛^۷ توانسته از مرحله جستجوی لفظی به جستجوی معنایی گذر کند و در این رهگذر، ابزارها و ارزش‌های افزوده متنوعی جهت استفاده محققان و پژوهشگران تولید و ارائه نماید. با کمک هوش مصنوعی دستیابی به بسیاری از پیشرفت‌های گذشته بشر تسریع شود. در آینده نزدیک دارنده‌های تکنولوژی هوش مصنوعی حکمرانان مهم دنیا خواهند بود و این پدیده سبک زندگی جدیدی برای انسان‌ها در اعتقادات و اخلاق و احکام ایجاد خواهد کرد. حتی ممکن است ماشین‌هایی تولید شود که قابلیت استدلال‌ورزی و استنتاج بر مبنای منطق را داشته باشند (بهرامی، ۱۳۹۹: ۹).

با پیشرفت‌های چشمگیر و روزافزون سطوح کاربردی فناوری «هوش مصنوعی»، سیستم‌های مجهز این فناوری، عملکردی شبیه عملکرد ذهن انسان دارند که در آینده نزدیک، این قرابت

^۱. Artificial Intelligence

^۲. Experts Systems

^۳. Robotics

^۴. Machine Learning

^۵. Neural Network

^۶. Fuzzy Logic

^۷. Natural Language Processing

عملکردی بیش از پیش خواهد بود. فناوری یاد شده در حل بسیاری از معضلات و خواسته‌های پیچیده بشر، نقش آفرینی مؤثری خواهد داشت.

همچنین هوش مصنوعی می‌تواند در توسعه فناوری‌های پیشرفته، حل مسائل مختلف اجتماعی مانند کاهش فقر، بهبود نظام سلامت، و مدیریت منابع طبیعی، بهبود دانش و آموزش‌های مرتبط با ادیان، تسهیل برخی از مسائل دینی مانند ترجمه متون مقدس، تفسیر آیات قرآنی، و ارائه فتاواها به کمک روش‌های پیشرفته مانند پردازش زبان طبیعی و تحلیل داده‌های بزرگ مفید باشد.

هوش مصنوعی می‌تواند برخی از مشکلات را که با روش‌های سنتی غیرقابل حل تلقی می‌شد حل کند و نشان‌دهنده فرصتی جدید برای بهبود زندگی انسان از نظر محاسباتی است. هوش مصنوعی را می‌توان به عنوان مثال برای بهبود سیستم‌های امنیتی و ایمنی، مانند ردیابی وسایل نقلیه دزدیده شده یا شناسایی اشیاء و... استفاده کرد. هوش مصنوعی همچنین می‌تواند به گسترش و تسریع دامنه اکتشافات علمی و فناوری کمک کند و راه را برای پیشرفت‌های جدید در بسیاری از زمینه‌ها باز کند.

هوش مصنوعی به دلیل ظرفیت‌های جدیدی که در توصیف، تحلیل و کنترل رفتار انسان ایجاد می‌کند و از طریق تأثیرات شگرف و شگفتی که بر زیست فردی و اجتماعی انسان دارد، سبب می‌شود که پرسش‌های جدیدی درباره نسبت این پدیده‌ها با اهداف دین ایجاد کند. پس می‌تواند نقش مهمی در تسریع تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا کرده و در ایجاد یک جامعه پویا، پیشرفته و متعادل تأثیرگذار باشد.

دستاوردهای کنونی هوش مصنوعی، تنها در حکم نوک کوه یخ می‌باشد که احتمالاً در آینده انقلابی بزرگ در حوزه توسعه و تعمیق علوم ایجاد خواهد نمود. بلکه شاید بدون استفاده از آن، عمق لازم در مطالعات دینی، انجام نخواهد گرفت. در آینده نزدیک جامعه ما مثل بقیه مصرف‌کنندگان این فناوری، چالش‌های نگران‌کننده‌ای را تجربه خواهد کرد. ضمن آن که عقب ماندن از این ضرورت اجتناب ناپذیر نیز می‌تواند ضررهای بیشتری داشته باشد. زیرا مثل همه‌ی پدیده‌های دست‌ساخت، بشر به این ابزار هم دست خواهد یافت.

احتمالاً در آینده‌ای نزدیک موضوع «هوش مصنوعی» و «متاورس» به سرفصل دانشکده‌های مختلف افزوده خواهد شد. هر چه بیشتر هوش مصنوعی بر ساحت‌های گوناگون زندگی سایه افکنده، اهمیت فقه به مثابه‌ی تئوری اداره حیات و پیوند مبانی دینی و زندگی انسان‌ها در جامعه مدرن بیشتر می‌شود. چاپ مقالات فراوان در معتبرترین نشریه‌های علمی گواهی است از افزایش توجه علم به رابطه هوش مصنوعی و فقه. فقه در قبال چنین هیولائی که بزودی با تخیلات فانتزی بشر را درگیر خواهد کرد، می‌بایست آماده پاسخگویی به مسئولیت تاریخی تمدنی خود باشد و گرنه در تعاملات با دنیا دچار انزوای جدی خواهد شد.

شگفتی چشم‌گیر فقه در این است که در طول هزار و چند سال که از تدوین جدی او می‌گذرد همواره دشوارترین گره‌هایی که مانند تار عنکبوت بر شریعت چمبره می‌زند را شناسائی و نیازهای جدید بشر خصوصاً در تعارضات اجتماعی را پاسخگو بوده در حالی که در ظاهر و به صورت صریح آن «نیازها» در کتاب و سنت مطرح نشده است.

بنابراین هوش مصنوعی امروزه در جوامع ما جایگاه فزاینده‌ای در تغییر همه چیز را به خود اختصاص داده و به همین دلیل بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. البته امکان پردازش حجم عظیم اطلاعات تولید شده، هم فرصتی برای ایجاد دنیای درخشان جدیدی از امکانات هیجان‌انگیز بی‌پایان و هم تهدیدی برای کشاندن جامعه بشری به ویرانشهری وحشتناک است. زیرا ضمن آن که در مقدمات حل مسأله کمک فراوانی به فقیه انجام می‌دهد، از بسیاری از قوای شناختی انسان تقلید می‌کند، تا جایی که برخی از افراد به سبب تحمیل اختلالات مختلف این تکنولوژی به جامعه انسانی نگران آینده آن شده‌اند. خطراتی مثل اینکه یک انسان چگونه در جامعه، فعال باقی خواهد ماند، چه کاری می‌تواند انجام دهد، و خروجی هوش مصنوعی تا کجا پیش خواهد رفت.

هوش مصنوعی امروز در هم‌افزایی با مجموعه‌ای از تکنولوژی‌های دیگر شامل داده‌های انبوه، رایانش ابری، انتقال داده سریع، اینترنت اشیا، واقعیت مجازی و محاسبات کوانتومی که یک مجموعه‌ای از تکنولوژی‌های هم‌بسته را تشکیل می‌دهند به تنها گزینه برای حل بسیاری از مسائل تبدیل شده و دیگر مانند گذشته یک مزیت نبوده و امروز یک ضرورت است.

هوش مصنوعی امروزه جایگاه فزاینده‌ای را به خود اختصاص داده و به همین دلیل بیش از پیش اجتناب ناپذیر شده است. در عمل می‌توان گفت در آینده اغلب ابعاد زندگی بشر وابسته به هوش مصنوعی خواهد بود و هر جامعه‌ای که در این حوزه دست برتر را داشته باشد صاحب قدرت و اثرگذاری بالاتری خواهد بود.

امروز امپراطوری‌ها، بیشتر از آن که سرزمینی باشند، با تکنیک، IT و هوش مصنوعی تعریف می‌شوند. در طول تاریخ، همواره تحولات فناورانه تأثیر شگرفی بر قدرت کشورها داشته است؛ آن دسته از کشورهایی که از فناوری برتری بهره‌مند بودند، استیلای بیشتری بر سایر کشورها و مناسبات منطقه‌ای و جهانی داشتند. اکنون نیز کشورهایی که در عرصه فناوری‌های نوظهور نظیر هوش مصنوعی پیشتازند، نقش بیشتری بر مناسبات آینده جهان خواهند داشت. چنان که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در سال ۲۰۱۷ در بازدید از یکی از مدارس به دانش‌آموزان گفت: «هر کس که در هوش مصنوعی بتواند رهبر شود، فرمانروای جهان در آینده خواهد شد». به همین سبب رهبر معظم انقلاب، در دیدار مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی تأکید کردند:

«هر ملّتی که امروز در زمینه‌ی این علوم شناختی و فناوری‌های مرتبط عقب بیفتد، سرنوشتش، سرنوشت آن ملّت‌هایی است که در آغاز انقلاب صنعتی عقب افتادند و سرنوشتشان

شد استعمارزدگی، زیر دست بودن، فقیر ماندن، دلیل شدن. اگر ما امروز در زمینه‌ی فناوری‌های شناختی غفلت کنیم، بسرعت سقوط خواهیم کرد و پنجاه سال دیگر خواهیم شد پنجاهم، خواهیم شد صدم، یعنی دنیا از ما جلو می‌افتد و می‌رود» (رهبر انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۰۳).

همچنین ایشان در دیدار نخبگان و استعداد‌های برتر علمی، از «هوش مصنوعی» به‌عنوان یک مسئله مهم و آینده‌ساز نام بردند و با اشاره به تجربیات کشورهای مختلف دنیا در توسعه هوش مصنوعی به توانمندسازی کشور در این باره تصریح کردند:

«این مسئله در اداره آینده دنیا نقش دارد و باید به گونه‌ای عمل کنیم که ایران جزو ۱۰ کشور برتر هوش مصنوعی در دنیا قرار بگیرد. باید جزء ده کشور هوش مصنوعی باشیم. در دوران هوش مصنوعی و کوانتوم و اینترنت نمی‌شود با همان ابزارهای چهل سال قبل کار کرد باید ابزارها متناسب با زمان باشند.» (رهبر انقلاب، ۱۴۰۰/۰۸/۲۶).

هرچه است، طراحان هوش مصنوعی و متاورس، کمبودها و نیازهای خیالی "نسل جدید فانتزی" را که با اینترنت زاده شده و رشد نموده و فکر می‌کند بزرگترها و سنت‌ها به "دوره ماقبل تاریخ" تعلق دارند؛ خوب شناخته و مهندسی نموده‌اند. روند تحولات فناورانه و توسعه هوش مصنوعی به سمتی است که ممکن است یک جهش بزرگ ایجاد کند و منجر به افزایش فاصله میان کشورها شود. بسیاری از کشورهای جهان، مصرف‌کننده فناوری‌های جدیدی هستند که در دسترس عموم است؛ حال آنکه رقبای آنان در این حوزه سرمایه‌گذاری‌های کلانی کرده‌اند تا صرفاً نقش مصرف‌کننده نداشته باشند؛ تلاش برای ایجاد شهر تمام‌هوشمند نئوم در عربستان، تشکیل وزارت هوش مصنوعی در امارات، و دانشکده بین‌المللی هوش مصنوعی در ایران، تدوین سند نقشه راه توسعه هوش مصنوعی کشور توسط نخبگان دانشگاهی و مرکز نوآوری و توسعه هوش مصنوعی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات؛ واگذاری تدوین سند اخلاق هوش مصنوعی جمهوری اسلامی ایران به حوزه علمیه، آغاز فعالیت ستاد راهبری فناوری‌های هوشمند حوزه علمیه، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های مختلف با عناوین بررسی نقشه راه کلان هوش مصنوعی، هوش مصنوعی و علوم اسلامی و... بخشی از اقدامات امیدآفرینی بود که تاکنون برای آمادگی در مواجهه با مطالبه فقه‌های مسلمان در مدیریت هوش مصنوعی انجام شده است، که یقیناً مدیریت آن به امنیت بیشتر باورهای اسلامی کمک خواهد نمود و کوتاهی در مدیریت به سلطه‌پذیری قدرت‌های خواهد انجامید، به گونه‌ای که جامعه عملاً گاوشیرده برای ابرقدرت‌های زورگو خواهد بود.

به هر حال با پیشرفت هوش مصنوعی و حداقل بزرگ نمایی قدرت افسانه‌ای آن در تسخیر دیگر کهکشان‌ها و...، سؤالاتی مطرح می‌شود که:

- هوش مصنوعی چگونه می‌تواند از فقه فعال و تأثیرگذار پشتیبانی کند؟
- فقهاء مسلمان چه استفاده‌ای از هوش مصنوعی خواهند کرد؟
- آیا هوش مصنوعی می‌تواند فتوا دهد؟

- آیا فتوای هوش مصنوعی مفید قطع و اطمینان منطقی یا اطمینان عرفی هست؟
- در فرض اطمینان بخشی [اعم از منطقی یا عرفی بودن آن] فتوای هوش مصنوعی حجت هست؟
- آیا هوش مصنوعی سبب می شود از مرجع تقلید بی نیاز باشیم ؟
- آیا هوش مصنوعی به بالندگی و شکوفایی بی سابقه زندگی کمک خواهد کرد، یا سرانجام ماشین ها در تمام کارها از ما پیشی خواهند گرفت، و شاید حتی جایگزین ما شوند؟

هرچند پاسخ به پرسش های بالا فراتر از مقصود نوشته ما می باشد، اما تا حقیقت و ماهیت هوش مصنوعی و رابطه هوش مصنوعی و انسان کاملاً روشن نشود، پاسخ به کارآمدی هوش مصنوعی و فرصت سازی یا فرصت سوزی آن در هاله ای از ابهام خواهد بود. برای پاسخ به چگونگی مواجهه فقهاء با هوش مصنوعی، ابتدا لازم است مفهوم آن، بازشناسی شود و بعد به فرصت ها و چالش های آن اشاره شود.

۲. مفهوم شناسی هوش مصنوعی

هوش مصنوعی، ماشین های هوشمندی است که توانایی انجام وظایفی که نیازمند به هوش انسانی است را داشته باشد. هوش مصنوعی در حقیقت نوعی شبیه سازی هوش انسانی برای کامپیوتر است و منظور از هوش مصنوعی در واقع ماشینی است که به گونه ای برنامه نویسی شده که همانند انسان فکر کند و توانایی تقلید از رفتار انسان را داشته باشد (مشبکی، ۱۳۷۹).

مطابق تعاریف مشهور، مقصود از هوش مصنوعی پیاده سازی، شبیه سازی و همانند سازی تقریبی هوش طبیعی انسان توسط ماشین است. یا به تعبیر دیگر هوش مصنوعی؛ سامانه ای است که می تواند محیط اطراف خود را درک کرده و سپس یک تصمیم هوشمندانه مبتنی بر آن درک پیشین اتخاذ نماید. به عبارت دیگر فرآیندهای هوشمند انسانی نظیر شبیه سازی فرآیندهای تفکری و شیوه های استدلالی انسانی و پاسخ موفق به آنها و یادگیری و توانایی کسب دانش و استدلال برای حل مسائل توسط ماشین می باشد. مجموعه ای از تکنیک ها و ابزارهایی که از محاسبات و برنامه نویسی برای نمایش و شبیه سازی هوش انسان استفاده می کند (مینایی، ۱۳۸۴: ۳).

بنابراین می توان هوش مصنوعی را انسان وارهایی یا ماشین های خودرانی دانست که از بسیاری از قوای شناختی انسان تقلید می کنند، ساختار تفکر و اندیشیدن دارند، از محاسبات و برنامه نویسی برای نمایش و شبیه سازی هوش انسان استفاده می کنند. هوش مصنوعی قرار است بخشی یا همه افکار انسان را به خوبی تقلید و پس از تقلید، خلق رفتار کند. یعنی کارهایی که زمانی بر انسان محول می شد را بدون نیاز به وجود انسان انجام دهد و در مرحله بعد در بسیاری از زمینه ها جای

انسان را پر کند. این بدان معنا نیست که هوش مصنوعی خود هوشمند و دارای ادراک می‌باشد، بلکه صرفاً قرار است همچون یک موجود هوشمند رفتار کند.

۳. فرصت‌های هوش مصنوعی برای فقه

حال که به کارگیری هوش مصنوعی در بخش‌های مختلف زندگی به ضرورتی غیر قابل انکار تبدیل شده است، برای قضاوت در باره کارائی آن، ابتدا باید امکانات هوش مصنوعی شناسایی شود. هوش مصنوعی مزایای فراوانی از جمله استفاده بهینه از وقت، دقت در تحلیل اطلاعات، فراهم آوردن فرصت مقایسه داده‌های انبوه و چند سطحی، پیش‌بینی حوادث آینده، کاهش خطای انسانی، دسترسی همیشگی، ریسک پذیری بالا، شناخت موضوعات فقهی جدید، جستجوی تاریخی، کشف پیش‌فرض‌های فقهی گذشته برای کمک به وصول به نتیجه و سرعت در تصمیم‌گیری دارد.

هوش مصنوعی می‌تواند ثمرات فراوانی در مسیر گره‌گشایی خلأهای تئوریک و مقایسه قواعد اجتهادی داشته باشد. هوش مصنوعی می‌تواند علاوه بر محافظت از گنجینه ارزشمند منابع دینی و فقهی، تبیین، تفسیر و ترجمه آن به زبان‌های مختلف، در پژوهش‌های فقهی و اسلامی به عنوان یک ابزار کمکی مورد استفاده قرار گیرد. از مثال‌های این کاربرد می‌توان به استخراج اصول و مبانی، تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده فقهی، پیدا کردن تفاوت‌ها و تطابق‌های میان متون مختلف فقهی، و استخراج اطلاعات مفید برای محققان، تولید مقالات، کتب، و مطالب فقهی و اسلامی بر اساس نیازهای مخاطبان اشاره کرد (صاعدرازی، ۱۴۰۰: ۴۸۰؛ قایمی نیا، ۱۳۸۵: ۳۶).

یکی از کارویژه‌های هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد، جمعیت، یکپارچه‌سازی و تنظیم اطلاعات مستقل و غیرمستقل [خام و ترکیب‌شده] بر اساس موضوعات مختلف است؛ هوش مصنوعی در جمعیت بالاترین قدرت را از خود نشان خواهد داد؛ یعنی هوش مصنوعی هم می‌تواند اطلاعات خام را مهیا و تنظیم کند و هم می‌تواند اطلاعات ترکیب‌شده را بر اساس موضوعات مختلف به فقیه ارائه دهد؛ به گونه‌ای که بعید است هوش بسیاری از افراد به پای هوش مصنوعی برسد (ر.ک: سایت شبکه اجتهاد).

از سوی دیگر جمعیت اطلاعات از مقدمات لازم و اصلی در اجتهاد است. زیرا مجتهد نیاز به حجم عظیمی از اطلاعات دارد، در فقه لایه‌ها و وجوه استدلالی پیچیده‌ای شکل یافته، تحلیل و فهم گزاره‌های فقهی در گرو فهم دقیق عناوین و قرائن متصل و منفصل است؛ اگر فقیه به‌طور دقیق موضوع را نداند و موضوع را ناقص ببیند، حکمی که می‌دهد مربوط به موضوع ذهنی اوست؛ نه موضوع بیرونی و واقعی اجتماعی؛ به همین جهت وقتی که حکم بر اجتماع عرضه می‌شود؛ ممکن است اثر عکس را به دنبال داشته باشد؛ پس باید فقیه به کمک هوش مصنوعی فرآیند اجتهاد را

تسریع بخشد و در مسیر رسیدن به حکم، مسیر را گم نکند و یقیناً حجم اطلاعات هرچه قدر گسترده و بیشتر باشد، احتمالات بیشتر می‌شود و حکم به واقعیت نزدیک‌تر می‌شود (سلمانیو، ۱۴۰۲: ۲۶۵).

کاربرد بعدی تکنولوژی هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد، پاسخگویی به مسائل و کشف احکام موضوعات مربوط به تکنولوژی هوش مصنوعی است. فقیه باید موضوعات و موضوع‌شناسی را مسلط شود که کار دشواری است؛ چون در این موضوعات منابع دخیل زیاد هستند، منابع لازم‌الرجوع نیز باید زیاد باشد؛ پس مجتهد نیاز به حجم عظیمی از اطلاعات دارد؛ و هوش مصنوعی می‌تواند بخشی از اطلاعاتی که باعث روشن شدن موضوع - به‌خصوص در موضوعات اجتماعی - برای فقیه می‌شود را برای او روشن کند، اگر هوش مصنوعی همین یک فایده را داشته باشند کفایت می‌کند.

کاربرد مهم تکنولوژی هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد، تنظیم اطلاعات در بحث اجتهاد می‌باشد که مثلاً مطلق و مقید را تعیین می‌کند. یا تنسیق و کنارهم نهادن مجموعه اطلاعات رجالی، موضوعی و فقهی و به نتیجه رساندن آن برای دستیابی فقیه به حکم الهی. روشن است که تنسیق نهایی با مدیریت هوش انسانی انجام می‌شود که فقط انسان‌ها می‌توانند تشریع را بفهمند، زیرا ارتکازات شرعی و عقلایی مختص فقیه است که یا از تتبع و یا از فطرت انسان‌ها برمی‌خیزند و این وضعیت، فرایندی ایجاد می‌کند که انسان زبان تشریع را بفهمد پس در این قسمت هوش مصنوعی از هوش انسانی کمک می‌گیرد.

پس یکی از کاربردهای کلیدی تکنولوژی هوش مصنوعی در مراحل مختلف فرآیند، کاربرد مجتهدیاری است؛ بدین معنا که این فناوری کمک کار فقیه در مسیر استنباط احکام الهی است و می‌تواند به عنوان دستیار در کنار فقیه ایفای نقش مشورتی داشته باشد. به همین سبب وقتی مینا و قاعده به آن داده می‌شود، می‌تواند مثلاً تغایرات و تناقضات در فتاوی مختلف فقیه را استخراج و گوشزد کند تا فقیه خلاف مبنای خود استنباط نکند (ر.ک: سایت شبکه اجتهاد).

تطبیق احکام شرعی در مواجهه با تکنولوژی، ترجمه و تحلیل دقیق و سریع متون دینی، تفکیک مبانی، یادآوری اشتباهات، توسعه روش‌های جدید برای استفاده از هوش مصنوعی برای تفسیر مسائل فقهی، تشخیص ذائقه مخاطب، پر شدن شکاف اطلاعاتی، شکاف احتمالاتی، شناخت موضوعات معاصر و ترکیب کردن و پیوند دادن بین اطلاعات؛ از دیگر فرصت‌های هوش مصنوعی در دستیابی به مدلول‌هایی متناسب با سطح فهم فقیه هست (قاسمی، ۱۴۰۰: ۱۷۹).

در کل، می‌توان هوش مصنوعی را به عنوان امکان جدیدی برای تسهیل، تسریع و تدقیق در فرآیند اجتهاد و ارتقاء کیفیت زندگی و حل مسائل اجتماعی دانست که در فرض مدیریت و کنترل آن با قوانین و دستورالعمل‌های مؤثر اخلاقی و دینی به کمک فقها خواهد آمد تا با مسائل جدید ناشی از پیشرفت فناوری روبرو شوند و از فرصت‌های جدیدی که این فناوری ارائه می‌دهد برای بازنگری در مکانیسم صدور فتوا و نیز ترویج سبک اجتهاد گروهی به عنوان راهکار مقابله با بحران

فتوا بهره‌مند شوند. اما برای این اتفاق، نیاز به همکاری و تلاش مشترک علمای دین و محققان فناوری می‌باشد.

۴. چالش‌های هوش مصنوعی با فقه

هرچند که استفاده از هوش مصنوعی و امکان پردازش حجم عظیم اطلاعات تولید شده در فقه و فتوای فقه‌ها، می‌تواند مزایایی برای پیشروی در وسعت شعاع دوایر فکری افراد داشته باشد، اما عوارض و چالش‌های احتمالی آن در دگرگونی آینده مشترک انسان‌ها، فقه‌های مسلمان را نگران کرده است. منشأ این نگرانی، خطرات مختلفی است که این تکنولوژی می‌تواند به جامعه انسانی تحمیل کند. خطراتی مثل اینکه هوش مصنوعی چه امکاناتی را از ما خواهد گرفت؟ خروجی هوش مصنوعی تا کجا پیش خواهد رفت؟ چگونه می‌توان هوش مصنوعی را در برابر فقه مسئولیت پذیر کرد؟ برخی از اندیشمندان نسبت به چهره متفاوت هوش مصنوعی در موقعیت‌های مختلف هشدار داده‌اند و بلکه اعلام خطر کرده‌اند که: «هوش مصنوعی بزرگترین تهدید وجودی برای بشریت و مخرب‌ترین نیروی تاریخ است و مطمئن نیستیم که انسان بتواند بر هوش مصنوعی کنترل داشته باشد». حتی افرادی مانند استیون هاو کینگ؛ فیزیکدان معروف، مدعی شدند که ممکن است با گسترش انفعال و مرعوب شدن در برابر هوش مصنوعی، دنیا جنگل مدرنی شود که نسل بشر به پایان خود برسد (فارس نیوز، ۱۴۰۲، ۰۲، ۱۲؛ مدیریت دانش و نوآوری ۱۴۰۱: ۲۵).

چنان‌که پاپ فرانسیس در پیام خود برای پنجاه و هفتمین روز جهانی صلح به تأثیر هوش مصنوعی بر صلح جهانی اشاره کرده و از جامعه بین‌المللی خواست که یک معاهده بین‌المللی الزام آور برای توسعه و استفاده از آن تنظیم کنند. وی تصریح کرده است: «ماشین‌های سخنگو» هرگز نمی‌توانند دارای «روح» باشند، بنابراین پیشرفت‌های فناوری باید به گونه‌ای اتفاق بیفتد که از «تغییر شکل انسان» جلوگیری شود. سطحی از روابط انسانی فراتر از زبان وجود دارد که شامل عواطف، میل و قصد می‌شود و تنها انسان‌ها می‌توانند به لطف خداوند این مبادلات همدلانه را به روابط مثبت و سودمند با دیگران تبدیل کنند. فن‌آوری‌های جدید باید همیشه در راستای پیگیری صلح و خیر عمومی و در خدمت توسعه یکپارچه افراد و جوامع باشند. رهبران جهان اطمینان حاصل کنند که پیشرفت در توسعه انواع هوش مصنوعی در نهایت در خدمت برادری و صلح بشری خواهد بود. از یک طرف، اگر این پیشرفت‌ها به نظم بیشتر در جامعه بشری و مشارکت برادرانه و آزادی بیشتر کمک کند، می‌تواند به بهبود بشریت و دگرگونی جهان منجر شود. از سوی دیگر، پیشرفت‌های فنی-علمی، به‌ویژه در حوزه دیجیتال، گستره وسیعی از گزینه‌ها را در دست انسان قرار می‌دهد، از جمله برخی از گزینه‌ها که ممکن است برای بقای ما خطر داشته باشند و جهان مشترک ما را به خطر بیندازند (ایسنا، ۱۴۰۲، ۰۵، ۱۸).

برخی از فقه‌های مسلمان به چالش‌ها و مسائل اخلاقی و فتاوی فقهی که با پیشرفت‌های تکنولوژیکی و هوش مصنوعی همراه است، توجه کرده اند، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. دقت و اعتمادپذیری: برای تفسیر و صدور فتوا بر اساس متون فقهی، نیاز است که هوش مصنوعی بتواند متون را به درستی مطالعه و تحلیل کند. هوش مصنوعی به کمک مجموعه اطلاعاتی بزرگی کار می‌کند که در حالت ایده‌آل اجازه ارزیابی اشتباه را به صورت بهینه‌تر امکان‌پذیر می‌کند. این ممکن است با محدودیت‌هایی همچون مفهوم‌پذیری نامناسب و قابلیت مطالعه محدود متون فقهی همراه باشد. تفسیر مفاهیم دینی و اصول فقهی نیازمند دانش عمیق و تجربه فقهی است که ممکن است هوش مصنوعی به آن نخواهد رسید. یکی از چالش‌های اصلی استفاده از هوش مصنوعی در فقه، دقت و اعتمادپذیری آن است. ممکن است این سامانه‌ها نتایجی نادرست یا ناقص تولید کنند که می‌تواند به عدم اعتماد به آن‌ها منجر شود (قربانی، ۱۴۰۰: ۶۰۳).

۲. فهم مفاهیم فقهی: هر چند مراجعه به هوش مصنوعی، رجوع جاهل به عالم هست. اما درک و تفسیر مفاهیم پیچیده و متنوع فقهی، برای یک سامانه هوش مصنوعی ممکن است سخت باشد. زیرا شأن استشراف و دریافت حکم شرعی، مقوله‌ای فوق هوش مصنوعی قوی است که انسان به اندازه انس با فطرت، در فهم تشریع موفق خواهد شد زیرا زبان شارع مبتنی بر زبان فطرت انسانی است و ماشین هرگز نمی‌تواند به آن دست یابد،

- مخاطب دستورات فقهی رهبران دینی انسان هست یا ابزار؟
- آیا انسان در استنباط احکام موضوعیت دارد یا طریقت؟
- اگر موضوعیت داشته باشد، هوش مصنوعی کافی نیست؟
- اگر طریقت داشته باشد آیا هوش مصنوعی مثل انسان می‌تواند فتوا بداد؟
- هوش مصنوعی چگونه می‌تواند ارتکازات عقلایی در فقه را درک کند؟

ماهیت اجتهاد قطع و اطمینان معتبر است چنان که آیات قرآن براین اساس وعده و وعید داده است. لذا خداوند تشریع و تفسیر نصوص را براساس ظن و گمان و ارتکازات عقلایی، محل داوری قرار داده است و ظن و گمان هم فقط در انسان رخ می‌دهد و نه ماشین؛ البته ظن و گمان هم مقطعی نیست و فرایند دائمی دارد و این کار انسان است نه هوش مصنوعی. در فرض که هوش مصنوعی، ارتکازات فقه را در آرای آنها درک کند، قرائن لبیه یا ادله غیر لفظی را نخواهد توانست درک کند.

بنابراین به نظر می‌رسد انسان بودن در صدور فتوا موضوعیت دارد، چنان که مخاطب رهبران دینی انسان‌ها بودند نه ابزار. پس هوش مصنوعی کافی نیست و نمی‌تواند جایگزین فقه‌ها شود و در عرصه اجتهاد به تنهایی حکم دهد و به حکم شرعی برسد و انشاء حکم نماید، زیرا حکم را باید ذی روح بدهد. اجتهاد باید از هوش بشری عبور کند و نتایج هوش مصنوعی نیز باید در نهایت از همین

مسیر عبور کند. فقیه باید مذاق شارع را درک کند، این موضوع را هوش غیرانسانی درک نمی‌کند. این مذاق، خاصیتی انسانی است. ضمناً شارع مقدس قول فقها را حجت قرار داده، ولی ابزار را حجت قرار نداده، مگر اینکه یقین آور باشد. بنابراین در استفاده از هوش مصنوعی در فقه و فتواها باید به دقت و احتیاط انسانی توجه شود و همواره نظارت و تأیید از سوی علمای متخصص لحاظ شود.

بر فرض که فتوای هوش مصنوعی مفید اطمینان منطقی یا عرفی باشد، پرسش مهم این است که آیا اطمینان حاصل شده، مانند اطمینانی که از علوم غریبه مانند جفر و رمل حاصل می‌شود نیست؟ که اگر باشد حجت نیست (ر.ک: متقی، ۱۴۰۱).

۳. نقض حریم خصوصی و داده‌های شخصی: استفاده از هوش مصنوعی در فقه ممکن است با خطراتی همچون تهدید آزادی‌های فردی، نقض آزادی‌های مدنی و حریم خصوصی با ایجاد حجمی از اطلاعات نادرست، گسترش شایعات و جعل اسناد شبه واقع و انتشار اطلاعات شخصی مربوط به مؤمنین و افراد پاکدامن و اعمال نفوذ بر آنان، حرمت آن‌ها را مخدوش کند، که با روح دیانت منافات دارد؛ هرچند روزبه‌روز هوش مصنوعی پیشرفته‌تر می‌شود و می‌تواند از یادگیری ماشین و یادگیری عمیق بیشتر بهره‌برد، حتی خودش تصمیم بگیرد چطور تحلیل کرده و رفتار کند، اما کماکان از داده‌های انسانی و جامعه تأثیر می‌گیرد و این نگرانی وجود دارد که تحت تأثیر سوءگیری‌ها و تعصبات انسان‌ها در مورد مسائل مختلف قرار نگیرد. از این رو نیاز به راهکارهای مناسب برای حفاظت از این اطلاعات را ایجاد می‌کند.

۴. تحولات اخلاقی: همواره مطرح است که چگونگی استفاده از هوش مصنوعی در فقه و فتواها نیازمند توجه به اصول و ارزش‌های اخلاقی و معنوی است، به طوری که فتواها و تحلیل‌های ارائه شده توسط هوش مصنوعی، با ارزش‌های دینی و اخلاقی سازگار باشند. هوش مصنوعی می‌تواند به مسائل اخلاقی پیچیده‌تری منجر شود، برای مثال، در زمینه تصمیم‌گیری در تراحات اخلاقی و فقهی و تعیین مسئولیت در صورت وقوع خطاها معلوم نیست هوش مصنوعی بتواند نظر درست شرعی را پیدا نماید (مینایی، ۱۳۸۴: ۷).

۵. تعیین حکم شرعی برای فناوری‌های جدید: بسیاری از فناوری‌های هوش مصنوعی، مانند رباتیک و بیوانفورماتیک، مسائل جدیدی را برای فقها ایجاد کرده است که نیازمند تعیین حکم شرعی می‌باشد. پرسش‌های فقهی ناشی از هوش مصنوعی: مثلاً، آیا یک ربات می‌تواند شهادت دهد؟ یا آیا ربات‌ها می‌توانند به عنوان وارثان موروثی شناخته شوند؟ این نوع پرسش‌ها نیازمند تحلیل دقیق فقهی هستند.

با توجه به چالش‌های فوق، استنباط حکم خدا از منابع اسلامی مقوله‌ای پیچیده، گسترده، حساس، دقیق و عمیق می‌باشد که علاوه بر شناخت جامع و کامل از اسلام، نیازمند آگاهی از رفتار

و نیاز امت اسلامی است، تا فقیه متقی با استنباط درست به وسیله متقن‌ترین نتایج دست‌یافته، پاسخگوی نیازهای امت اسلامی باشد.

داده‌های هوش مصنوعی معیار نیست، چون زمانی می‌تواند معیار باشد که حجیت داشته باشد. زمانی می‌تواند حجیت داشته باشد که مُدرک باشد، هوش مصنوعی مُدرک نیست. هر چیزی با اختیار انسان در مقام اجتهاد منافات پیدا کند شرعاً پذیرفته نیست. مثلاً اگر بین دو نظر اختلاف شود، هر دو نظر نتیجه‌ای متفاوت می‌دهد و داده‌های هوش مصنوعی نمی‌تواند معیار نهایی برای تشخیص درستی آن باشد. هوش مصنوعی نهایتاً می‌تواند در مقام دستیار مجتهد کمک کند اما حرف آخر را فقیه می‌زند.

۶. کنترل مردم توسط قدرت‌های سیاسی اجتماعی: گسترش بی‌رویه هوش مصنوعی به اهداف و منافع صاحبان و توسعه دهندگان آن و به موقعیت‌هایی که در آن به کار خواهد رفت مرتبط است، که نبود جریان آزاد اطلاعات، می‌تواند به انباشت ثروت و قدرت در دست عده معدودی بینجامد و با مهندسی اجتماعی جامعه‌ای یکسان، پیش‌بینی‌پذیر و قابل کنترل خلق کنند. هوش مصنوعی براساس برنامه سفارشی که به آن داده می‌شود عمل می‌کند، اختیارش در دست فقیه نیست و هر مجموعه‌ای می‌تواند با تغییر روایت‌ها به جای تغییر واقعیت‌ها، به دنبال طراحی تحمیل ذهنیت خود بر عینیت‌ها باشد و براساس اهداف کلانی که در پازل دهکده‌ی جهانی دارد، دین‌پژوهی و استنباط دین را پیرو آرزوهای خود کند و نتایج نادرستی تولید کند و چه بسا عملاً سبب تضعیف و تزلزل اعتقادات مردم و انتقال احکام نادرستی شود که به دین‌گریزی جامعه کمک نماید. چه بسا برای مرجعیت دینی هوش مصنوعی، می‌توان ابعاد خطرناک‌تری در ایجاد بحران فقهی هم تصور نمود، به گونه‌ای که ارزش‌های استعماری و منفعت‌محور غرب را جایگزین روش فقه‌پژوهی کند. حتی ممکن است برخی که در حوزه استنباط تخصص کافی را ندارند، اظهار نظر کنند و این ابزار دستاویزی شود که هر فردی خیال کند با استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند نظر فقهی اسلام را به دست آورد.

حتی استفاده از این مصنوع هوشمند می‌تواند در کنترل دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ سیاسی که مناسبات‌شان صرفاً بر محور سود اقتصادی و زور نظامی می‌چرخد، برای کنترل نارضایتی‌ها قرار گیرد و با دستکاری در مبانی و مصالح شرعی، در پی بهره‌برداری از خود انسان باشند تا او را به صورت ناخودآگاه به سوی افزایش اسلام‌هراسی و استبداد فکری سوق دهد. می‌تواند با دخالت تبیه‌کاران ضمن نیازسنجی، نیازسازی انسان‌ها را به دست گیرد و با مدد هوش مصنوعی به مدیریت هوش طبیعی انسان‌ها بپردازد و آدمیان را بازیچه سازد و جبر اجتماعی رسانه‌ای پدید آورد. مردم در این الگو مشارکت حداکثری کنند، اما با میل خود، ظلم و فساد و اسارت را بپذیرا شوند. فرهنگ بی‌حیایی و برده‌گی مدرن را با تخیل و نسبی‌گرایی و تناسخ‌هویتی بپذیرند.

- آیا هوش مصنوعی استقلال دارد؟
- موضوع «هوش مصنوعی» در قبال سلطه تحقیرآمیز بر انسان‌ها چه خواهد بود؟
- چه تضمینی در به مسلخ نرفتن مصالح مهم امت اسلام با فرمانروایی هوش مصنوعی می باشد؟

از کجا معلوم که «حکمرانی هوش مصنوعی» در استعمار «حکمرانی اقتصادهای کلان» قرار نخواهد گرفت و منابع تولید محتوای، در حبس گروه‌های قدرت معطل نماند و دچار بحران‌های عمیق اجتماعی و سیاسی و حتی امنیتی نخواهد کرد؟.

«آیا دستگاهی که بیشتر امکان انتخاب بین گزینه‌های مشکوک را در اختیار قرار می‌دهد واقعاً مفید است؟»

۸. محرومیت هوش مصنوعی از عقلانیت: استواری فقه و کارآمدی آن در گرو عقلانیت و استقلال فقیه هست؛ «دخاله عقل یکی از اسباب پیروزی‌های فقه اسلامی در ادوار گذشته است» (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۱/۴۸۵). امام عسکری ضمن اشاره به ضرورت تقلید از فقیه به ارزیابی دقیق و دائمی صفات چهارگانه آن پرداخته اند: «هر فقیهی که؛ ۱- مراقب نفس خود بوده، ۲- حافظ دینش باشد، ۳- با هوای نفس خود مخالفت کرده، ۴- مطیع امر مولی باشد. پس بر عوام است که از چنین فقیه‌ای تقلید کنند. این شرائط تنها شامل برخی از فقه‌های شیعه است و نه همه آنها (طبرسی، ۱۳۸۶: ۲/۲۵۳). این شرایط مخصوص انسان است و هوش مصنوعی هنوز چنین قابلیت‌ای ندارد.

هر چند ادعا شده؛ هوش مصنوعی در آینده نزدیک، از باهوشترین انسان هوشمندتر خواهد شد و می‌خواهد که در موارد بسیاری، جایگزین موجودی پیچیده و حساس به نام انسان شود. اما از آن جا که در تمایز عقل و هوش، برتری عقل بر هوش انکارناپذیر است و در استخراج احکام فقهی از متون شرعی، «مصالح بشریت» با نگاه عقلانی ملاک می باشد، هوش مصنوعی از موهبتی عقل سلیم یا درک عمومی، محروم و عاجز است و عقلانیت مخصوص انسان است.

هوش مصنوعی از بیرون به ماشین تحمیل می‌شود. حتی اگر زمانی ماشین هوشمند بر هوش خود بیافزاید باز تصور ماشین بدون هوش یک تصور معقولی بوده و تحقق آن عقلانی است اما هوش انسانی، ذاتی انسانی است و هوش و انسان یک ترکیب حقیقی است. از این رو هوش مصنوعی مستقل و قائم به ذات نیست و چیرگی آن بر انسان ممکن نیست! بنابراین علیرغم همه پیشرفت‌های بزرگ در زمینه فناوری و هوش مصنوعی، کنشگری انسانی عامل تعیین‌کننده خواهد بود.

اساساً هوش مصنوعی در درون غار داده‌های خودش زندانی است. هوش مصنوعی با خود جهان و چیزهای موجود در آن ارتباطی ندارد، بلکه فقط به داده‌هایی که به آن داده شده ایفای نقش می‌کند. سعی می‌کند این داده‌ها را همزمان با کلیات، الگوها، انتزاعات، احتمالات، ارتباطات، یا

روندها ارزیابی می‌کند تا بهترین پیش‌بینی‌های موجود را تشخیص دهد. در نتیجه، هیچ مدل هوش مصنوعی نمی‌تواند بازتابی کامل و جامع از دنیای واقعی باشد، بلکه تنها نسخه‌ای ساده و جزئی از آن خواهد بود.

در حالی که این مدل در درک خود محدود هست و نمی‌تواند افکار شناختی یا انتزاعی را تولید کند. نمی‌تواند تحلیل متن کند و فکر مصنوعی (نه ذوقی و سلیقه‌ای) داشته باشد. عقلانیت براساس ارتباطی صورت می‌گیرد که مبتنی بر مشاهده است. فقدان عقل، هوش مصنوعی را از درک جهان، ارتباط طبیعی با مردم، رفتار منطقی در موقعیت‌های پیش‌بینی نشده و درس گرفتن از تجربه‌های جدید باز می‌دارد. شاید همین ناتوانی، قابل‌توجه‌ترین مانع میان کاربردهای دقیق هوش مصنوعی و کاربردهای کلی‌تر آن در آینده باشد.

در نتیجه با چنین ضعفی، چگونه و با چه تضمینی می‌تواند از پس چالش‌های مصنوعی در این شرایط غیرمعمول برآید و برخی تغییرات و احتمالات جدید را به‌علت غیرمنطقی بودن آن رد کند؟

چگونه می‌تواند از شر داده‌های گمراه‌کننده خلاص شود تا بتواند مأموریت خود را تکمیل کند؟

۹- مسئولیت‌ناپذیری هوش مصنوعی: هوش مصنوعی اراده‌ای ندارد تا در برابر داده‌های خود، مسئولیت پذیر باشد. مسئولیت متوجه کاربر است؛ نه خود هوش مصنوعی. بنابراین چون مسئولیت پذیر نیست، حجت ندارد؛ یعنی اعتماد بر برون داده‌های هوش مصنوعی، انسان را در برابر خدا معذور نمی‌کند و فقیه‌ای که با تکیه بر داده‌های هوش مصنوعی، حکمی فقهی صادر کند، حکمش نه برای خودش حجت است و نه برای دیگران. او در برابر خداوند مسئول است و معذور نیست که ادعا کند من با اعتماد به هوش مصنوعی حکم فقهی صادر کرده و یا فتوا داده‌ام. ضمن آن که عدالت و استقلال بر فرضی مطرح می‌شود که انسان باشد، در حالی که گناه در هوش مصنوعی، سالبه به انتفاء موضوع است (ر.ک: سایت شبکه اجتهاد).

فضای هوش مصنوعی فضای تنوع‌طلبانه‌ای است. در فضای هوش مصنوعی، انسان احساس «بی‌مکانی و عدم تعلق به مکان خاصی» و «فقدان هویت» می‌کند و اساساً نمی‌داند به کجا تعلق دارد و برای چه به این دنیا آمده است و لذت، عنصر اصلی هوش مصنوعی خواهد بود؛ به‌خاطر تنوعی که هوش مصنوعی ایجاد می‌کند. او کم‌کم احساس تعلق فرهنگی را از دست می‌دهد و به سمت سبک زندگی خاصی می‌رود. فرهنگ والا و فرهنگ عامه در این سبک زندگی، جابه‌جا و مخلوط می‌شود. هنر والا دیگر چندان مفهومی ندارد. فقط تنوع مفهوم دارد. فرم بر محتوا غالب می‌شود (صادقی، ۱۳۹۷: ۷۱؛ کنعانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۶).

عدم دقت مطلوب در تفسیر متون، عدم درک اصول فقهی و شرایط ویژه، امکان وارد کردن خطاهای ماشینی، حکم‌سازی، ظاهرگرایی، سردرگمی ادراک افراد از دانش و هوش مصنوعی، از بین

رفتن برخی شغل‌ها با تعدیل نیرو، بیکاری گسترده، تشدید شکاف‌های طبقاتی، آسیب به روان کاربران، افزایش تبعیض، تنبلی، فریبکاری، کنترل اجتماعی، سلب فرصت تفکر، سلب حریم خصوصی، تأثیرات روانی و اجتماعی، کاهش قدرت تمکز و حافظه، ابهام مسأله مالکیت، کاهش دایره تکلیف، تضعیف ارزش‌های دینی و اخلاقی، کاهش رابطه مردم با مرجعیت دینی، تزلزل اعتقادات مردم، تضعیف و تزلزل ارتباطات انسانی مخصوصاً تضعیف صله رحم و ترویج تنهایی و بدتر از همه بی‌اعتمادی به داده‌ها از دیگر چالش‌هایی است که مقاصد شریعت را مختل کند.

در این که ممکن است هوش مصنوعی کمکی به رشد و توسعه فقه داشته باشد شکی نیست. اما، احکام شدن گفتمان حکمرانی هوش مصنوعی بر فضای فقهی حکایت از شکل‌گیری یک بیراهه بزرگ دیگر در تاریخ اسلام برای مهندسی افکار عمومی دارد. بی شک، اگر رابطه ای عمیق میان دانش و پیشرفت وجود دارد این رابطه رابطه‌ای است که بنا به تاریخ جوامع توسعه یافته میان علوم پایه مثل فقه و پیشرفت برقرار شده است و نه میان علوم دسته دوم.

بنابراین هوش مصنوعی در حالی که ظرفیت‌های فراوانی برای انسان می‌تواند فراهم کند، اثرات مشکوک آن می‌تواند تکنولوژی مخرب و مضر باشد که به سلامت دنیوی و اخروی انسان آسیب برساند؛ از این رو باید مانند پدیده‌های نوظهور و تازه که در اختیار بشر قرار داده شده‌اند، با احتیاط کامل با آن مواجه شد و انسان بر آن مسلط باشد نه اینکه اقتدار هوش مصنوعی انسان را مغلوب و منفعل کند. مدیریت آن در دست متقین متخصص باشد، در این صورت می‌توان در مقاصد و اهداف دیانت از آن استفاده کرد، اما اگر دست افراد ناصالح و غیر متخصص افتاد و بر انسان مسلط شد، به دیانت و اخلاق لطمه خواهد زد. پس عدم جواز به‌کارگیری هوش مصنوعی به عنوان فتوادهنده، از اتقان بیشتری برخوردار می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

صف‌آرایی پدیده‌های پرشتاب مدرن به جهان اسلام و چگونگی مواجهه فقها با آنها، همیشه به‌عنوان یک مسئله جدی و قابل تأمل مطرح نظر بوده است. هرچند تجربه گذشته، غلبه فرهنگ تکنولوژی بر زیست فردی و اجتماعی مسلمانان بوده، اما عملاً فناوری‌ها به نفع جبهه حق بوده است. راهبرد اغلب فقهاء، تفکیک و تجزیه نقاط مثبت و منفی تکنولوژی از همدیگر و تجویز استفاده از نقاط مثبت آنها در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان بوده و هست.

فقه به عنوان عهده‌دار بیان احکام بشری و متکفل چگونگی استخراج قوانین شرعی در حوزه فردی و اجتماعی ملهم از متن نصوص (کتاب و سنت)، نمی‌تواند در برابر حکمرانی فناوری دسته بسته بماند، زیرا جبران چنین غفلتی دشوار خواهد بود. تعامل میان فقه و فناوری نیز، فقط به بررسی فناوری توسط فقه ختم نمی‌شود، بلکه میان آن دو رابطه‌ای دوطرفه تجلی کرده، چراکه فقه از

فناوری جدا نیست. اگر فقهاء در جامعه‌ای که از هوش مصنوعی استفاده می‌کند و مناسبات انسانی را با تأثیر از این هوش انسان‌نما تعریف می‌کنند، با اقتضائات و ضرورت‌های دنیای جدید سازگار شوند، جایگاه فقه و حوزه‌های علمی ارتقا خواهد داشت؛ زیرا همواره حوزه‌های علمی، قلب و مغز مردم در مباحث سیاسی اجتماعی، اقتصادی بوده است. ولی اگر فقها و حوزه نسبت به این فرآیند منفعل باشند، باید منتظر آسیب‌های پیش‌بینی نشده و جبران‌ناپذیری در گسترش تخریب و بی‌مهری به فقه باشند.

از آنجایی که تغییر مقیاس به تغییر موضوع و تغییر حکم می‌انجامد، بایستی موضوع هوش مصنوعی را در کلان‌ترین مقیاس یعنی الزامات تمدنی هوش مصنوعی با تکیه بر آینده‌ی ترسیم شده‌ی جهان در قرآن دید. وقتی مقیاس نگاه به هوش مصنوعی از فرد و خرد به رویکرد کلان‌نگر تمدنی تغییر یابد، درک از موضوع تغییر و به تبع حکم هم متفاوت می‌شود.

هرچند واکنش‌های فقهای مسلمان نسبت به هوش مصنوعی متنوع بوده است و برخی نسبت به فراگیری هوش مصنوعی در فقه هشدار داده و نگرانی آن‌ها ناشی از مخالفت با گرفتاری در غرقابه هوش مصنوعی بوده است که تبدیل به یکی از پیچ و مهره‌های فرهنگ و تمدن پوسیده غرب نشوند؛ اما بیشتر آن‌ها با توجه به فواید پیشرفت فناوری‌های مرتبط با آن، مانند نقش مشورتی برای فقیه در تفحص دقیق از منابع فراوان فقه در جهت بهبود کیفیت زندگی، پزشکی، آموزش، و امکانات ارتباطی؛ فرصت‌های ابزار پر قدرت و مبهم هوش مصنوعی را، بسیار بیشتر از چالش‌های آن دانسته و ضمن شناسایی پیش‌نیازهای خاص آن، از فواید آن در مقدمات اجتهاد و فقه پژوهشی، نگاه منفی انکاری یا ممنوعیت به حکمرانی هوش مصنوعی ندارند و حتی بسیاری از اندیشمندان دینی را در تکاپوی بازسازی روش مطالعات دینی و فقهی قرار داده است.

در مجموع، امکان‌پذیری کاربرد فقه در هوش مصنوعی و بلکه انقلاب فقهی، در گرو فائق آمدن انسان متحول گرا و تفکرنگر بر همه نگرانی‌های مذکور در عصر انفجار اطلاعات و به تبع آن، سردرگمی در استدلال‌های نقلی، خواهد بود، که مستلزم انجام مطالعات گسترده، نظارت و ارزیابی عمیق و دقیق فقهاء و تدوین پروتکل‌های مستحکم شرعی و قراردادهای اجتماعی دارای پشتوانه محلی، ملی و جهانی برای حفظ هویت اسلامی، رعایت اصول اخلاقی و شرعی، خدمت عادلانه به منافع عمومی و مصلحت انسان‌ها، بهبود کیفیت زندگی آنها و ضمانت پیشگیری فقه از تحریف و انحراف باشد، چنان که اقدامات بی‌قاعده و بدون برنامه، می‌تواند فرصت هوش مصنوعی را تبدیل به تهدید علیه فقه و حتی اصل دین کند و به ضعف جامعه اسلامی بینجامد.

به تعبیر دیگر هوش مصنوعی، در عین پیشرو بودن و خدماتی که می‌تواند ارائه کند، عوارض ناخوشایندی هم احتمالاً به وجود خواهد آورد تا حدی که نخواهد توانست جایگزین مناسبی برای فقیه به عنوان فتوادهنده شود. بدون تمرکز صریح بر ظرفیت‌های هوش مصنوعی برای بهبود

دینداری- یا حداقل آسیب نرساندن به آن- به احتمال زیاد هوش مصنوعی باعث فساد خواهد شد. اطلاعات نادرست افزایش خواهد یافت و اعتماد بیشتر از بین خواهد رفت.

از این رو اگر فقه‌های مسلمان بتوانند هوشمندان و با احتیاط کامل با آن مواجه شوند تا به جای ترسیم خطوط قرمز، خطوط سبز حرکت آنها را ترسیم کنند و با مشورت از متخصصین موحد متعهد، وارد مرحله مدیریت هوش مصنوعی شوند و طراحی نظام جایگزین، نظارت و کنترل محتوای آن را جدی بگیرند؛ منافع زیادی مانند پویایی مسلمانان با نمایش فقه کارآمد، تثبیت اجتماعی بودن دین و امنیت اعتقادی و فقهی مسلمانان را فراهم خواهند نمود. بنابراین لازم است ضمن پذیرش و تلاش در توسعه هوش مصنوعی بومی سازی شده بر اساس تفکر ناب اسلامی، در زمینه ارزیابی و ارزش گذاری اطلاعات تأییدشده فقهی، پیچیده‌ترین قواعد فقهی را در دسترس افراد بیشتری قرار دهند، تا زمینه‌های جدیدی برای شکوفایی امید به آینده در میان امت اسلام پدیدار سازند و مشکلات بزرگ فقهی را پشت سر بگذارند و در طراحی، ساخت، تجاری‌سازی و مسائل اجتماعی، اخلاقی و امنیتی آن نیز پیشتاز باشند.

منابع

- بهرامی، محمدحسین، ضرورت کاربست هوش مصنوعی در علوم اسلامی، گفت وگو با رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ره آورد نور، پاییز ۱۳۹۹ - شماره ۷۲ (صفحه ۶ تا ۹)
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای [www/farsi.khamenei.ir](http://www.farsi.khamenei.ir)
- سایت شبکه اجتهاد www/http://ijtihadnet.ir
- سلمانپو، محمد جواد؛ طالبی علی، مریم، امکان سنجی و نحوه استفاده از هوش مصنوعی در امر اجتهاد فقیه، مطالعات حقوقی تابستان ۱۴۰۲، دوره جدید - شماره ۳۴ (صفحه ۲۵۳ تا ۲۶۵).
- صادقی، حسن، انسان در محاصره هوش مصنوعی، نامه اتاق بازرگانی، اسفند ۱۳۹۷، شماره ۱۲۱ (صفحه ۶۵ تا ۷۱)
- صاعدرازی، محمد، هوش مصنوعی چه تحولی در فقه و اصول ایجاد می کند؟ همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی، ۱۴۰۰، «مجموعه مقالات همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی» (صفحه ۴۶۷ تا ۴۸۰)
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی طبرسی (۱۳۸۶ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج، نجف. دارالنعمان.
- قاسمی، محمدرضا، هوش مصنوعی و حکمرانی آینده، حوزه، بهار و تابستان ۱۴۰۰، دوره سی و هشتم - شماره ۱۸۷ و ۱۸۸ (صفحه ۱۶۶ تا ۱۷۹)
- قایمی نیا، علی رضا، دین و هوش مصنوعی، ذهن، بهار ۱۳۸۵ - شماره ۲۵ ISC (صفحه ۲۳ تا ۳۶)
- قربانی، علیرضا، تأثیرات غیرمستقیم هوش مصنوعی بر برخی از احکام فقهی، همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی، ۱۴۰۰، «مجموعه مقالات همایش ملی هوش مصنوعی و علوم اسلامی» (صفحه ۵۸۱ تا ۶۰۶).
- کنعانی، فاطمه؛ واشقانی فراهانی، محمدمامین؛ رسولیان، پریسا. تحلیل و بررسی اثرات اتوماسیون و هوش مصنوعی بر مشاغل آینده: تدبیر، زمستان ۱۴۰۰ - شماره ۳۲۶ (صفحه ۷۲ تا ۸۰)
- متقی، ناصر، مفهوم شناسی اطمینان عرفی، قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۱
- مدیریت دانش و نوآوری دانا، معرفی کتاب؛ عصر هوش مصنوعی و آینده ما انسان ها؛ شهریور ۱۴۰۱ - شماره ۱۵ (صفحه ۲۵).
- مشبکی، علی اصغر، آشنائی با هوش مصنوعی و کاربرد آن در صنایع (۱)، توسعه مدیریت، ۱۳۷۹، شماره ۱۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار شهید مطهری [اسلام و نیازهای زمان]، تهران: صدرا.
- مینایی، بهروز، بررسی موانع و مشکلات ایجاد سیستم خبره فقه، ره آورد نور، تابستان ۱۳۸۴ - شماره ۱۱ (ص ۲ تا ۷).

Research Article

Opportunities and challenges of artificial intelligence governance along the social life of Islamic jurisprudence in Iran 1414 horizon

Mahmoudreza Mohammaddoost,¹ Hassan Hajizade Anari² and Mohammad Asgharian Dastanai³

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

Abstract

The high speed of complex and attractive developments of "artificial intelligence" reveals a new world to conquer human mentality; A world that will have a special effect on various aspects of personal and social life. Among this inevitable phenomenon, it can have an impact on religious issues (including institutions, problems, solutions, etc.), especially the science of attaining the rulings of Sharia, i.e. "jurisprudence", in such a way that the general reactions of jurists, about It has been understandably a mix of anxiety and hope; Therefore, indifference in answering and correctly analyzing new jurisprudential issues will create threats and make jurisprudence suffer a kind of isolation, as well as preparing for the future management of this human-like intelligence, it will have the opportunity to play a role for the historical responsibility of jurisprudence in the twist of civilization. For this reason, the main problem of this research is to examine the opportunities and challenges of artificial intelligence management in jurisprudence. Therefore, this article has been written with the aim of properly understanding the civilized requirements of artificial intelligence, so that it can be kept safe with accurate future research, belief and behavioral security, and the dynamics of Islamic jurisprudence. As a result, "artificial intelligence" as it can be effective in speeding up and clarifying the process of ijthihad and improving it, it can also challenge the achievement of religious rulings as much as it can by its appearance and rule-making. He said that the non-permissibility of using artificial intelligence as a fatwa-giver is more difficult.

Keywords: artificial intelligence, jurisprudence, governance, authority, fatwa, opportunities and challenges.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Mohammaddoost, Mahmoudreza; Hajizade Anari, Hassan; Asgharian Dastanai, Mohammad(Summer 2024). "Opportunities and challenges of artificial intelligence governance along the social life of Islamic jurisprudence in Iran 1414 horizon". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 7, Num. 2, S.No. 26, pp. 85 - 106.

¹. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Shahid Chamran Campus, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: mohammaddostmr@gmail.com

². Assistant Professor, Department of Islamic Education, Shahid Chamran Campus, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: hajizadeanari@gmail.com

³. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. Email: alrahil88@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Bahrami, Mohammad Hossein, *The Necessity of Using Artificial Intelligence in Islamic Sciences*, Interview with the Head of the Computer Research Center for Islamic Sciences, Rahevard Noor, Autumn 2019 - Number 72 (pages 6 to 9) . (in Persian)
- Ghasemi, Mohammadreza, *artificial intelligence and future governance*, Hoza, spring and summer 1400, 38th period - numbers 187 and 188 (pages 166 to 179) . (in Persian)
- Ghorbani, Alireza, *Indirect effects of artificial intelligence on some jurisprudence*, National Conference of Artificial Intelligence and Islamic Sciences, 1400, "Collection of articles of the National Conference of Artificial Intelligence and Islamic Sciences, (pages 581 to 606) . (in Persian)
- Ijtihad Network website <http://ijtihadnet.ir/www>. (in Persian)
- Kanani, Fatima; Vashghani Farahani, Mohammad Amin; Rasoulia, Parisa. *Analyzing and examining the effects of automation and artificial intelligence on future jobs: Tadbir*, Winter 1400 - No. 326 (pages 72 to 80) . (in Persian)
- Knowledge management and wise innovation, introduction of the book; The era of artificial intelligence and the future of us humans; September 1401 - number 15 (page 25) . (in Persian)*
- Meshbaki, Ali Asghar, *familiarity with artificial intelligence and its application in industries (1), management development. , 1379, number 13. (in Persian)*
- Minaei, Behrouz, *examining the obstacles and problems of creating a jurisprudential expert system*, Rahevard Noor, summer 2014 - number 11 (pp. 2 to 7) . (in Persian)
- Motaghi, Nasser, *Conceptualization of Customary Confidence*, Qom: Lasting Heritage, 1401. (in Persian)
- Motahari, Morteza (1389). *The collection of works of Shahid Motahari [Islam and the needs of time]*, Tehran: Sadra. (in Persian)
- Qaiminia, Ali Reza, *religion and artificial intelligence*, Mind, Spring 2015 - ISC number 25 (pages 23 to 36) . (in Persian)
- Sadeghi, Hassan, *Human under the siege of artificial intelligence*, Chamber of Commerce letter, March 2017, number 121 (pages 65 to 71) . (in Persian)
- Saederazi, Mohammad, *What evolution does artificial intelligence create in jurisprudence and principles?* National Conference of Artificial Intelligence and Islamic Sciences, 1400, "Collection of Articles of the National Conference of Artificial Intelligence and Islamic Sciences, (pages 467 to 480) . (in Persian)

Salmanpoo, Mohammad Javad; Talebi Ali, Maryam, Feasibility and how to use artificial intelligence in jurisprudential ijtehad, Law Studies, summer 1402, new period - number 34 (pages 253 to 265) . (in Persian)

Tabarsi, Abu Mansour Ahmed bin Ali Tabarsi (1386 AH). Al-Ihtjaj Ali Ahl al-Jajj, Najaf. Dar al-Numan. (in Persian)

The information base of the Office for Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei <https://farsi.khamenei.ir/www>. (in Persian)

